

- ۶۶ ..... ۲-۲-۳- اختلاف در مورد عمرو بن شعیب
- ۷۴ ..... ۲-۲-۴- از این رو علما این حدیث را ضعیف دانسته‌اند
- ۷۷ ..... ۲-۳- حدیث عمرو بن حزم در عقول
- ۷۷ ..... ۲-۳-۱- روایت یکم
- ۷۹ ..... ۲-۳-۲- روایت دوم
- ۸۱ ..... ۲-۳-۳- روایت سوم
- ۸۳ ..... ۲-۳-۴- روایت چهارم
- ۸۴ ..... ۲-۳-۵- روایت پنجم

● فصل سوم:

- ۹۱ آثار منسوب به صحابه درباره تنصیف دیه زن و بیان ضعف آنها
- ۹۲ ..... ۳-۱- آثار موقوف بر عمر بن خطاب
- ۹۲ ..... ۳-۱-۱- اثر یکم
- ۹۶ ..... ۳-۱-۲- اثر دوم
- ۱۰۲ ..... ۳-۱-۳- اثر سوم
- ۱۱۴ ..... ۳-۱-۴- اثر چهارم
- ۱۲۳ ..... ۳-۲- آثار موقوف بر عثمان بن عفان
- ۱۲۴ ..... ۳-۲-۱- وجود امام شافعی مجدد دین در قرن دوم هجری
- ۱۲۵ ..... ۳-۲-۲- وجود ربیع بن سلیمان مرادی صاحب امام شافعی
- ۱۲۶ ..... ۳-۲-۳- وجود عبدالله بن ابی نجیح
- ۱۳۴ ..... ۳-۳- آثار موقوف بر علی بن ابی طالب

۱۳۴	.....	۳-۳-۱- اثر یکم
۱۴۱	.....	۳-۳-۲- اثر دوم
۱۴۶	.....	۳-۴- آثار موقوف بر زید بن ثابت و عبداللّه بن مسعود
۱۵۰	.....	۳-۵- اثر منسوب به سعید بن مسیب

## ● فصل چهارم:

۱۵۷	.....	ادعای اجماع و تناقض های آن
-----	-------	----------------------------

## ● فصل پنجم:

۱۷۷	.....	ادعای اقتضای قیاس و تناقض های آن
۷۷۷	.....	۵-۱- شهادت
۱۸۱	.....	۵-۲- میراث
۱۸۴	.....	۵-۳- ملکیت نکاح
۱۸۹	.....	۵-۴- نقص منفعت زن

## ● فصل ششم:

۱۹۵	.....	دلایل مساوات زن و مرد در مسئله دیه
-----	-------	------------------------------------

## ● فصل هفتم:

۲۳۷	.....	تحقیق آرای مطرح شده درباره دیه زن
۲۶۳	.....	منابع و مأخذ

## مقدمه مترجم

«الحمد لله ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم و صلى الله على نبينا محمد و على آله و اهل بيته و اصحابه اجمعين و على من تبعهم باحسان إلى يوم الدين»

دین، برنامه و نظام کاملی برای هدایت انسان است و برای پاسخگویی به نیازهای بشر برنامه‌هایی جامع و کامل دارد. دین اسلام به تعبیر خداوند متعال کاملترین و برگزیده‌ترین برنامه‌ها و در عین حال آسان‌ترین ادیان می‌باشد. این دین شامل مجموعه‌ای از قوانین، مقررات و دستورات است که تمامی نیازهای معقول معنوی و مادی انسان در آن بررسی و بیان گردیده است و البته هدف و مقصود شریعت الهی نیز برآوردن نیازهای بشر و رساندن او به خوشبختی و سعادت واقعی می‌باشد.

احکام اسلامی در یک تقسیم‌بندی کلی در هشت<sup>(۱)</sup> دسته جای می‌گیرند که مبحث جنایات از جمله آنهاست و از آنجا که هر دستاوردی معلول عللی است و علت غایی است که انگیزه عمل به حساب می‌آید، طبعاً این تحقیق نیز از این رهگذر بی‌نصیب نبوده است. دینه زن که زیر مجموعه احکام جنایی است، در این کتاب به عنوان یک هدف و غایت مورد نظر می‌باشد. مسئله حقوق زن از دیر زمان، گاه و بیگاه، در محافل علمی مورد بحث و گفتگو بوده و نظرات فقهی متعددی درباره آن مطرح شده است. از حسن نظر پاره‌ای از صاحبان فکر و اندیشه که بگذریم، غالب این نظریات میان

۱. عبادات، معاملات، حقوق خانواده (احوال الشخصية)، احکام جنایی، آئین دادرسی (مسائل مربوط به طرح دعوا در محاکم قضائی، شهود و شرایط آن و...)، حقوق بین‌الملل اسلامی (السُّیَر)، حقوق اساسی (احکام الدستورية، احکام السلطانية)، احکام بیان آداب و روابط اخلاقی اجتماعی و فردی. برای توضیحات بیشتر ر. ک. به: وهبه الزحیلی: الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۱، صص ۲۸ - ۱۸.

نفی و اثبات در نوسان و دَوْران است. با این حال مثل هر بستر علمی دیگر، همواره نظرات مطرح شده در این باره نیز در محدوده علم محض و یافتن حقیقت نبوده و گاهی چهره سیاسی، اجتماعی و... و به زبان امروزی ایدئولوژیک به خود گرفته‌اند و با این حال این‌گونه مسائل از جمله موارد اجتهادی است، عده‌ای از نظریه پردازان به جای تلاش برای یافتن صادقانه پاسخهای خود، و کندو کاو در مایه‌های اصلی مسئله به حذف و حتی انکار و شاید هم تغییر اصل قضیه می‌پردازند. این است که به جای تحصیل این‌گونه مسائل به عنوان یک نظریه،<sup>(۱)</sup> اصل یک مکتب یا نظام<sup>(۲)</sup> معرفتی را مورد تردید قرار می‌دهند و به گمان خود پاسخ اصلی و آخرین مسئله را باز یافته‌اند و اگر کشاندن این‌گونه مسائل مطرح در محافل علمی را به حوزه‌های عملی جامعه نیز به این‌گونه بدفهمی بیفزاییم، تقریباً مواد لازم برای ایجاد نوعی تنش یا بحران را فراهم کرده‌ایم، و در همین راستاست که احیاناً اسلام را متهم به بی‌توجهی به حقوق زن نموده و حتی گاه نسبت بی‌انصافی به آن داده‌اند، در حالی که تنها آیینی که حقوق همه جانبه را در خانواده و ابعاد مختلف زندگی فردی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی به رسمیت شناخته و از آن حمایت نموده است، اسلام می‌باشد، و ظاهراً اظهار نظرهای مخالفین آن از عدم شناخت درست اسلام و یا غرض ورزی و خصومت است.

پس باید هنگام بحث در مورد مسائل مختص زنان با احتیاط قدم برداشت و مواظب بود که حتی یک لحظه هم از افکار افسار گسیخته‌ای که با منش و روش<sup>(۳)</sup> علمی همخوانی ندارد غفلت نشود و در یافتن جواب نهایی یا صدور حکم از آنها تأثیری پذیرفته نشود. راه ما، راه شریعت خداوند

1. recommendation.

2. military.

3. method.

متعال و دلیلمان هم دلیل ثابت و محکم است و همین برای ما کافی است، و باید متذکر شد که اگر از دستاوردهای فنی<sup>(۱)</sup> و روشهای علمی دیگران استفاده می‌کنیم، فقط برای کسب مهارت‌های لازم برای بهتر زیستن در دنیای امروز است.

امروزه مباحث مربوط به مسائل زنان از جمله مباحثی است که اندکی لغزش در آن منجر به سقوط و هلاکت می‌شود و باید در این وادی با احتیاط و دقت گام برداشت. مسائل مربوط به زنان امروزه نه تنها در جوامع غربی و اروپایی در حال بررسی، بحث و گفتگوست بلکه در کشورهای اسلامی نیز مسلمانان را به خود مشغول نموده است. این است که علمای مسلمان نیز امروزه با مسائلی چون حق و حقوق زن، اشتغال، مشارکت سیاسی و... سروکار دارند و برای تطبیق آنها با احکام اسلامی چاره‌جویی می‌نمایند. آنچه در میان این مسائل هدف اصلی ماست «دیه زن» می‌باشد، دسته‌ای از فقهای مسلمان معتقدند که: «دیه زن نصف دیه مرد است» و این مسئله در قانون مجازات اسلامی نیز ذکر گردیده است.

بیان این مطلب مساوی است با طرح سؤالات بی‌شماری که هر یک پاسخ در خور خود را می‌طلبد و آن اینکه: «آیا نصوص صریح قرآنی که کلام خداوند سبحان است به چنین چیزی اشاره دارند؟ آیا در سنت نبوی ﷺ به چنین چیزی اشاره شده است؟ یا اینکه این امر برگرفته از جامعه اسلامی و عرف اجتماعی آنان است که چندان به شخصیت حقوقی و اجتماعی زن معتقد نبوده است؟ یا اینکه این هم قرائتی است از نصوص دینی مثل قرائت‌های مختلف دیگر که در باب مسائل بسیار دیگری بیان شده و می‌توان آن را در باب مسائل اجتهادپذیر قرار داد و به نقد و ارزیابی این قرائت پرداخت؟

این گونه سؤالات عامل اساسی پرداختن محقق به بررسی، تحقیق و جستجو در باب این مسئله است اما ظاهراً پیشرفت در این موضوع نه تنها قانع کننده نبود بلکه موجب شدت کنجکاوی گردید، زیرا دلایل ارائه شده درباره این مسئله ضعیف می نمود و همین مسئله راه را برای بیان اینکه حق با کدام گروه است، می بست. البته باید اضافه نمایم که تألیفات موجود درباره این موضوع به صورت کلی به بررسی دیه و چگونگی آن پرداخته اند و تقریباً تألیفاتی که اختصاصاً به دیه زن پرداخته باشد، یا نوشته نشده و یا بسیار کم و انگشت شمار است. با توجه به اهمیت موضوع و اینکه می خواستم این مسئله بار دیگر از راه شرعی و اصلی خویش بررسی شود، تصمیم گرفتم مطالبی را جمع آوری و تدوین نمایم اما به دلایلی که اکثراً روحیه دانش جویی و یادگیری بود، از این امر صرف نظر شد و مصمم شدم کتاب حاضر را ترجمه نمایم و با دیدی محققانه به بررسی آن پردازم تا زوایای مختلف مسئله بررسی و کاملاً روشن شود؛ زیرا مصرانه اعتقاد دارم که خداوند سبحان مبنای ارزش گذاری را در زن بودن و یا مرد بودن قرار نداده و بر عکس فرموده است:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ﴾ (۱)

«بی گمان گرامی ترین شما نزد خدا متقی ترین شماست.»

پس مشاهده می شود که خداوند سبحان نه نظری خاص نسبت به مرد دارد و نه نسبت به زن بلکه هر دو مخلوق او هستند و تنها عامل برتری آنها همان داشتن تقوای الهی است و از همه مهمتر خداوند هرگاه در قرآن از زن نام می برد از او به عنوان حافظ غیب، پوشاننده اسرار و لباس مرد نام می برد، حال می توان پرسید: چگونه امکان دارد زنی که همواره در مسیر زندگی همراه، همسفر و همسر مرد است از لحاظ مزایا و حقوق انسانی، همچون نیمه دوم خود با او رفتار نشود؟

آنچه در نوشته حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد «مساوی بودن دینه زن و مرد» است و پذیرش خلاف این فرضیه اندکی دشوار است؛ زیرا آنچه مناط تکلیف در احکام الهی و اهداف تشریح آن می‌باشد، انسان بودن افراد است نه جنسیت آنها، و البته این مسئله از جمله مسائلی است که می‌طلبید بار دیگر فقهای اسلام آن را مطرح نمایند و بر سر آن به مباحثه و گفتگو پردازند، زیرا همه آنچه در این نوشته آمده طرح موضوعی است برای باز کردن مسائل مربوط به دینه زن، و شایان ذکر است که دادن رأی در این مسئله احتیاج به باز اندیشی، اجتهاد و بازنگری مجدد از سوی فقها و مجتهدان اسلامی دارد و نباید این توهم را به خود راه دهیم که علما و دانشمندان بزرگوار ما با گفتن اینکه دینه زن نصف دینه مرد است، قصد اهانت به زن یا کم کردن حقوق او و تعدی به حریم انسانی و ارجمند وی را داشته‌اند، زیرا این دانشمندان میرز، قابل اعتماد و بی‌همتا تمام سعی خود را به کار گرفته‌اند و تا جایی که در توان داشته‌اند، کوشیده‌اند تا به حقیقت این مسئله و سایر مسائلی که به محضر آنها ارائه شده دست پیدا کنند و با رسیدن به نتیجه مأجور هستند و از هر گونه کم توجهی و اهمال در مورد حقوق فرد، فرد مسلمانان از هر جنس و نژاد و... که باشند، پاک و منزهند، لکن امروزه این امکان برای فقهای ما فراهم شده که بتوانند برای طرح چنین مسائلی دور هم جمع شوند؛ چرا که مسائلی که اکنون مطرح است از جمله موضوعاتی است که خاص زمان ماست و در گذشته مسائل و موضوعات دیگری دغدغه مجتهدان ما بوده و پیداست که این مسائل چون دغدغه ذهنی آنها نبوده، همچنان مسکوت باقی مانده‌اند، اما اکنون که فقه ما دچار پویایی و تحول گردیده لازم است این مباحث را در محافل خود مطرح و آرایبی در خور ارائه دهد و فقها بار دیگر برای زدودن زنگار تهمت با تلاشی گسترده‌تر به بازنگری در این امور که دینه زن جزء کوچکی از آن به حساب می‌آید، پردازند زیرا بحث، گفتگو و پژوهش در این

زمینه‌ها احتیاج به منابع عمیق فقهی، نشست‌های مستمر و طولانی، صرف وقت و هزینه برای انجام پژوهشهای مربوط به موارد مذکور در آن و تجدید نظر و اجتهاد مجدد و اندیشه بیشتر دارد تا ان شاء الله آنچه را که سفارش اسلام و خداوند سبحان و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله اوست، رعایت و عملی گردد.

مجتهدان باید دلسوزانه و مسؤولانه به این مسئله پردازند که آیا اصولاً راه بازنگری و اصلاح در این خصوص به روی آنان بسته است یا خیر؟ و آیا براساس مبانی و موازین پذیرفته شده استنباط احکام نمی‌توان برابری زن و مرد را در «دیه» پذیرفت؟

این پژوهش، با توجه به اندک بودن توان پژوهشگر و محدود بودن منابع و پژوهشهای مشابه، اگر توانسته باشد طرح کم رنگی برای انجام پژوهشهای بعدی ایجاد کند، در کار خود موفق بوده است.

کار هر بنده خدا جو آن است که در پایان نیز مانند آغاز با سپاس از خداوند خود گام برمی‌دارد و من نیز از خدای خودم سپاسگزارم که پای مرا به اقلیمی باز کرد که در آن اظهار سپاس و قدر دانی بسیاری از توانمندیهای خفته روح را بیدار می‌کند. از خدا سپاسگزارم که به من آموخت که برای آنکه در اقیانوس حُسن و نیکی احساس غربت نکرد باید در مسیر خوبی و زیبایی گام برداشت.

از خداوند می‌طلبم که جز خیر و نیکی آنچه که بر قلم این بنده جاری شد به خوانندگانم نرسد و اگر لغزشی از سر نسیان - و نه عصیان -

.....